

حکمرانی پایدار آب: چرا و چگونه؟

علی‌ارواحی

متخصص مدیریت اکوسیستم‌های آبی

آب، نه صرفا یک پدیده فنی، بلکه زیربنای توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است و امروز بیش از هر زمان دیگر در کانون حکمرانی قرار گرفته است. کیفیت حکمرانی آب، سرنوشت سرزمین‌ها را تعیین می‌کند. تفاوت بنیادین حکمرانی آب با مدیریت آب در این است که مدیریت بر عملیات و زیرساخت‌ها تمرکز دارد، اما حکمرانی تعیین می‌کند چه کسی، چگونه و در چه سطحی درباره منابع آب تصمیم می‌گیرد و این تصمیم‌ها چگونه اجرا و نظارت می‌شوند. حکمرانی آب در بهترین حالت باید بر شفافیت، پاسخ‌گویی، مشارکت ذی‌نفعان و هماهنگی بین‌بخشی استوار باشد، اما در ایران الگوی موجود با مشکلات ساختاری عمیقی دست به گریبان است. تعدد نهادهای متولی، فقدان هماهنگی نهادی، غلبه نگاه سازه‌ای و پروژه‌محور به‌جای دیدگاه جامع و همچنین ضعف در مشارکت جوامع محلی، سبب شده تصمیم‌گیری‌ها عمدتاً کوتاه‌مدت، بخشی و سیاسی باشند و همین وضعیت پیامدهای گسترده‌ای در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی ایجاد کرده است.

امروز حدود ۹۰ درصد منابع آب تجدیدپذیر ایران در بخش کشاورزی مصرف می‌شود، آن هم در شرایطی که بازده آبیاری در بسیاری مناطق کمتر از ۴۰ درصد است. از سوی دیگر، شبکه‌های فرسوده شهری و روستایی به طور متوسط تا ۳۰ درصد هدررفت ایجاد می‌کنند. تعداد چاه‌های غیرمجاز طی ۵۰ سال اخیر ۲۶ برابر شده و از ۱۵ هزار حلقه به بیش از ۴۰۰ هزار حلقه رسیده است. اضافه‌برداشت سالانه شش میلیارد مترمکعب از آب‌های زیرزمینی به افت شدید سطح آبخوان‌ها انجامیده، چنان‌که نرخ فرونشست زمین در برخی مناطق به ۳۰ سانتی‌متر در سال رسیده و از مجموع ۶۰۹ دشت کشور، ۴۰۹ دشت درگیر فرونشست هستند. ایران امروز سومین کشور دنیا به لحاظ گستردگی این پدیده است. مصرف بیش از ۸۰ درصد منابع آب تجدیدپذیر سالانه، که تقریباً دو برابر استاندارد جهانی است، سرانه آب تجدیدپذیر ایرانیان را به حدود هزار و ۳۰۰ مترمکعب در سال رسانده؛ یعنی پایین‌تر از استاندارد تنش آبی. همین روند حکمرانی ناپایدار آب همراه با تشدید اثرات ناشی از تغییر اقلیم، آورد سالانه آب تجدیدپذیر کشور که در چهار دهه پیش حدود ۱۳۰ میلیارد مترمکعب بوده را در یک دهه پیش تا ۱۰۳ میلیارد مکعب و در سال آبی جاری تا ۶۶ میلیارد مترمکعب کاهش داده و این یعنی افت حدود ۵۰ درصدی در بلندمدت و افت حدود ۳۶ درصدی در کوتاه‌مدت.

پیامدهای زیست‌محیطی این وضعیت به‌وضوح قابل مشاهده‌اند. تالاب‌های گاوخونی، بختگان، هورالعظیم، پریشان و هامون رو به خشکی رفته‌اند، دریاچه ارومیه به پهنه‌ای فصلی بدل شده و رودخانه‌های بزرگی چون زاینده‌رود، کارون و کرخه در معرض کم‌آبی شدید و حتی خشکیدگی درواهی قرار گرفته‌اند. پیامدهای اجتماعی نیز کم نیست. طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای، علاوه بر هزینه‌های گزاف اقتصادی، تنش‌های اجتماعی و اعتراض‌های محلی را در استان‌های مختلف شعله‌ور کرده‌اند. این پروژه‌ها نه‌تنها منابع محلی را در تهدید می‌کنند و با امنیت اجتماعی و حتی سیاسی پیوند خورده‌اند، بلکه با برهم‌زدن تعادل اکولوژیکی به تخریب پوشش گیاهی، تشدید فرسایش خاک و گسترش بیابان‌زایی دامن می‌زنند. نرخ فرسایش خاک در ایران حدود ۱۶ و نیم‌تن هکتار در سال است؛ رقمی شش برابر میانگین جهانی و امروز بیش از ۳۰ میلیون هکتار از اراضی کشور در معرض بیابان‌زایی قرار دارند. دروغبار گسترده، کاهش کیفیت هوا، تخریب میراث فرهنگی، تهدید سلامت میلیون‌ها نفر، مهاجرت‌های اقلیمی و افت امنیت غذایی فقط بخشی از تبعات این چرخاند. مسئله آب در ایران ابعاد انرژی و اقلیمی نیز دارد. بخش قابل توجهی از انرژی کشور صرف فعالیت نیروگاه‌ها، پمپاژ، انتقال و استحصال آب می‌شود و همین موضوع از یک سو به افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی و انتشار کربن و از سوی دیگر به تراززی انرژی دامن زده است. ایران با انتشار بیش از ۷۰۰ میلیون تن دی‌اکسیدکربن در سال، در میان ۱۰ کشور نخست دنیا از نظر میزان انتشار قرار دارد. این سطح از انتشار، همراه با تغییرات اقلیمی، موجب افزایش دما، کاهش بارش مؤثر و تغییر الگوی اقلیمی محلی یا همان میکروکلیم‌ا شده و چرخه بحران را تشدید کرده است. افزون بر این، در آب‌های مرزی و فرامرزی نیز نشانه‌های روشنی از حکمرانی ناپایدار دیده می‌شود؛ از اختلافات با افغانستان بر سر قنابه هیرمند و هریود تا تعارضات با ارمنستان و ترکیه درباره آورد و آلودگی رودخانه ارس و نیز کاهش جریان‌های ورودی دجله و فرات که پیامد آن افزایش تنش‌های دیپلماتیک و فشار اجتماعی بر استان‌های مرزی است.

اگر قرار باشد از این مسیر ناپایدار عبور کنیم، نخست باید تصویر شفافی از وضع موجود داشته باشیم؛ داده‌ها و آمارها باید به‌روز، دقیق و در دسترس تصمیم‌گیران و عموم باشند. سپس می‌توان حکمرانی موجود را با معیارهای بین‌المللی سنجید. چارچوب ارائه‌شده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نمونه‌ای ارزشمند است که بر شفافیت، پاسخ‌گویی، هماهنگی نهادی، مشارکت ذی‌نفعان، کارآمدی اقتصادی و یادگیری مستمر تأکید دارد. ارزیابی ایران بر پایه چنین معیارهایی می‌تواند نقاط ضعف و قوت را روشن کند. در کم بعدی باید از تجربه‌های جهانی بهره گرفت. هلند با شوراهای محلی آب‌بران، استرالیا با بازار آب در حوضه گرت، فرانک، اسپانیا و پرتغال با نظام مدیریت خشک‌سالی و بانک‌های آب و سنگاپور با سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نو، بازیافت آب، نمک‌زدایی و مدیریت یکپارچه منابع، نمونه‌هایی متفاوت از موفقیت‌اند. در سطح فرامرزی نیز نمونه‌های همکاری موفق وجود دارد. کمیسیون دانوب با مدیریت مشترک یک رودخانه عظیم میان بیش از ۱۰ کشور اروپایی، یا کمیسیون مشترک سن‌لوران میان آمریکا و کانادا، با مدیریت آبخوان گوارانی میان کشورهای آمریکای جنوبی و نیز تجربه حوضه رود سنکه در غرب آفریقا، همگی نشان می‌دهند که حتی کشورهایی با تفاوت‌های عمیق سیاسی و اقتصادی نیز می‌توانند بر مبنای منافع مشترک به حکمرانی جمعی و پایدار دست یابند.

این تجربه‌ها روشن می‌سازد که هیچ نسخه یکسانی برای حکمرانی پایدار آب وجود ندارد؛ هر کشور باید الگوی خود را بسازد. برای ایران، مسیر گذر از حکمرانی ناپایدار به پایدار روشن است: شناخت دقیق، ارزیابی بر اساس شاخص‌های معتبر، مطالعه تطبیقی، طراحی الگویی تلفیقی و بومی، اصلاحات نهادی-سیاستی، نوآوری فناوریانه و مشارکت اجتماعی. علاوه بر این، حکمرانی پایدار باید مبتنی بر درک پیوندهای به‌هم‌تنیده آب، انرژی، غذا و محیط زیست باشد؛ همان چیزی که در ادبیات بین‌المللی به تکسوس شناخته می‌شود. به بیان دیگر، تصمیمی در حوزه آب بدون اثر بر انرژی و غذا و محیط زیست وجود ندارد و برعکس. در کنار این نگاه سیستمی، راه‌حل‌های طبیعت‌محور همچون حفاظت از عرصه‌های جنگلی و مرعتی، آبخیزداری، احیای تالاب‌ها، بازچرانی آب، تغذیه مصنوعی آبخوان‌ها و اتکا به شیوه‌های مبتنی بر دانش بومی جوامع محلی نظیر احیای قنوات می‌توانند ضامن تاب‌آوری بیشتر سرزمین باشند.

امروز بیش از هر زمان دیگر روشن است که ادامه مسیر کنونی، امنیت آبی، غذایی، انرژی و زیست‌محیطی کشور را با خطر روبه‌رو می‌کند. تغییر مسیر دشوار اما امکان‌پذیر است؛ به شرط اتکه نگاه‌ها از پروژه‌های کوتاه‌مدت و مقطعی به سوی حکمرانی پایدار، یکپارچه و مشارکتی تغییر یابد.

محمدحسین موسوی: اتاق‌ها زیستگاه حشرات شده‌اند؛ موش و ساس و شته و وسایل‌شان حمله کرده‌اند. به همه اینها قطعی آب و برق و در ادامه آن اختلال اینترنت را هم باید اضافه کرد. دانشجویان بازگشته به خوابگاه‌ها شرایط سختی را تجربه می‌کنند. بسیاری از وسایل در نبودشان سرقت رفته و کسی هم پاسخ‌گو نیست. خرداد، با شروع حملات اسرائیل به ایران و آغاز رسمی جنگ، تمام دانشگاه‌ها تصمیم به تعطیل امتحانات و تخلیه خوابگاه‌ها گرفتند. در این زمان، تصور بر بازگشایی دوباره دانشگاه‌ها و برقراری امتحانات در تیرماه بود. همین شد که بسیاری از دانشجویان که دستور اضطراری تخلیه خوابگاه‌را داشتند، تنها به جمع‌آوری بخشی از وسایل و مرتب‌سازی کمی از محل سکونت خود دست زدند. اما با شدت‌گرفتن درگیری و اطلاعیه وزارت علوم درباره تعطیل امتحانات تا شهریورماه با وجود پایان حملات در سبوم تیرماه، خوابگاه‌های دانشجویی تعطیل ماندند تا شهریور که هم‌زمان با شروع فرجه امتحانی، دانشگاه‌ها به بازگشایی خوابگاه‌های خود دست زدند. حال اما دانشجویان از وضعیت نابسامان خوابگاه‌ها می‌گویند. از فقدان وسایل سرمایشی تا نبود آب و حضور یب‌شمار حشرات زنده و مرده در اتاق‌های خود. دانشجویان خوابگاهی می‌گویند وقتی پس از دو ماه به اتاق‌های خود بازگشتند، با آماده‌نبودن خوابگاه برای اسکان دانشجویان مواجه شدند. «با توجه به تغییر زمان امتحانات و با در نظر گرفتن شرایط ویژه و اضطراری کشور و همین‌طور اولویت حفظ امنیتی روانی و جسمی دانشجویان عزیز، تمام دانشجویان مقیم خوابگاه تا روز چهارشنبه ۲۸ خرداد نسبت به تخلیه خوابگاه اقدام نمایند؛» این متن، پیام معاونت دانشجویی یکی از دانشگاه‌های تهران، تنها چند روز بعد از شروع جنگ ۱۲روزه بود.

اختصاصی‌ندان خوابگاه به دانشجویان اطراف تهران

«احمد» دانشجوی دانشگاه تهران است. او ساکن کوی دانشگاه تهران، بزرگ‌ترین مجموعه خوابگاه دانشجویی کشور است. کوی دانشگاه که از اول شهریور پذیرش دانشجویان را آغاز کرده است، از نظر تأمین آب و برق شرایط مناسبی دارد، اما از نظر بهداشتی، وضعیت خوابگاه اصلا مناسب نیست: «در زمان گرفتن شرایط ویژه و اتاق‌ها در خرداد، به دلیل اینکه دانشجویان خیلی سریع و فوری خوابگاه‌ا ترک کرده بودند، اتاق‌ها به شکل نامرتبی باقی ماند. پس از اینکه به خوابگاه بازگشتم، با این مواجه شدم که از زمان تخلیه خوابگاه توسط ما، کولرها و هواکش‌های خوابگاه روشن نشده‌اند و حتی یک پنجره در بلوک‌ها باز نشده، به همین علت دمای هوا در اتاق‌ها به ۴۰ درجه رسیده و اتاق‌ها تبدیل به محیط مناسبی برای رشد و نمو حشرات شده بود. مثلاً اتاق من پر از سوسک بود و من دو روز ششما می‌بارش‌گویی می‌توانم در اتاق زندگی کنم». او می‌گوید سیاست جذب گسترده دانشجویان خارجی باعث شده تا دانشگاه تصمیم بگیرد خوابگاه را به دانشجویانی که از شهرهای اطراف تهران آمده‌اند، ندهد. این مسئله از نظر «احمد» نسبت ظرفیت اتاق و تعداد دانشجویان ساکن در آن را تبدیل به موضوعی بحرانی کرده است: «ما با یک مسئله اساسی درباره اسکان دانشجویان در کوی مواجه‌ایم. دانشگاه به دانشجویانی که از شهرهای اطراف تهران مثل کرج، دماوند و… می‌آیند، خوابگاه نمی‌دهد و خود دانشجویان برای حل این مشکل به یک نوع هم‌زیستی ن داده‌اند؛ به شکلی که ساکنان یک اتاق امضا جمع می‌کنند تا یک دانشجوی به‌عنوان ظرفیت اضافه امکان اسکان در خوابگاه را داشته باشد و این مسئله باعث شده اتاق‌ها بیشتر از ظرفیت‌شان شاهد اقامت دانشجو باشند. اختصاص خوابگاه به دانشجویان ساکن دانشجویان اطراف تهران در حالی است که در چند سال اخیر با رشد چشمگیر ظرفیت پذیرش و اسکان دانشجویان خارجی مواجه‌ایم، دانشجویان چینی، عراقی، آمراتی و…»

آب، برق و اینترنت نداریم

«زهرا» و «پریا» در یکی از خوابگاه‌های دخترانه دانشگاه علامه طباطبایی ساکن هستند. در خوابگاه آنها مشکل آب و برق همه دانشجویان ر کلافه کرده است. «زهرا» می‌گوید: «ما در خوابگاه کمد جدی آب داریم. طبقات اول فشار آب خوبی دارند، اما هرچقدر به طبقات بالاتر می‌رویم فشار آب کمتر می‌شود تا جایی که دو طبقه بالای ساختمان خوابگاه در بیشتر ساعت‌های روز آب ندارند. تقریباً سه روز در هفته هم دو ساعت قطعی برق داریم». این در حالی است که با قطع برق و آب، اینترنت خوابگاه و آنتن گوشی دانشجویان نیز از کار می‌افتد. «پریا» می‌گوید: «ما در خوابگاه روزی دو ساعت برق نداریم، وقتی برق قطع است چون پمپ آب از کار می‌افتد، آب نیز قطع می‌شود. اینترنت نیز قطع می‌شود و آنتن گوشی از کار می‌افتد. این مسئله زندگی ما را مختل کرده و اجازه درس خواندن به ما نمی‌دهد». اما مسئله تنها آب و برق نیست؛ دانشجویان ساکن در خوابگاه دختران دانشگاه علامه طباطبایی با فراوانی حشرات نیز مواجه‌اند. «پریا» می‌گوید: «وقتی به خوابگاه برگشتم، با کلی سوسک مرده در اتاق‌مان مواجه شدم. در محیط‌های عمومی خوابگاه نیز دانشجویان با مارمولک و انواع حشرات موذی بر خورد داشتند؛ انگار پیش از بازگشایی هیچ تمیزکاری یا مسپاشی‌ای انجام نشده بود». در کنار همه اینها ادامه ساخت‌وسازها در خوابگاه دختران، با وجود مهلت دوماهه برای اتمام کارها، دانشجویان را برای رفت‌وآمد با مشکل مواجه کرده است: «یک شهروک به خوابگاه باز شد، ما با این مسئله مواجه شدم که در خوابگاه بنایی و تعمیرات در جریان است. هنوز نیز با وجود حضور بیشتر دانشجویان در خوابگاه این تعمیرات ادامه دارد. بوی رنگ و گچ تمام خوابگاه را گرفته و حضور ناهای مرد نیز باعث شده مسئولان محدودیت‌های زیادی برای حضور ما در محیط‌های عمومی خوابگاه قائل شوند».

صف‌های طولانی غذا

در خوابگاه دانشگاه حواجه نصیرالدین طوسی پس از پایان جنگ تعدادی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی پذیرش شدند. این دانشجویان که برای درس خواندن و تکمیل تر و پایان‌نامه به خوابگاه

گزارش «شرق» از چالش دانشجویان ساکن خوابگاه‌ها پس از بازگشت به کلاس‌ها

بحران آب، برق و حشرات موذی در اتاق‌ها

«در خوابگاه با شته و ساس درگیریم، بالش‌ها، لباس‌ها و… پر از ساس و شته شده‌اند.

سوسک‌ها نیز همیشه در اتاق هستند. مسئولان اما جواب سر بالا می‌دهند»



محیطی وکی و بی‌نظم

کردیم این بود که چون ما دانشجویان خارجی ساکن در کل ۱۲ ماه داریم و نمی‌توانیم آنها را از خوابگاه خارج کنیم، امکان مسپاشی نیز نداریم». «جواد» از وضعیت نابسامان تغذیه در کوی دانشگاه بهشتی هم انتقاد دارد: «بعد از بازگشت ما به دانشگاه برای امتحانات، وضعیت سلف بدتر از قبل شده. برای مثال دانشگاه اعلام کرده برای وعده ناهار باید سالا‌د به دانشجویان تعلق بگیرد، هزینه‌اش را نیز می‌گیرند، اما سالا‌دی داده نمی‌شود. با طبق مقررات دانشجو در جیره غذایی‌ای که در خوابگاه دریافت می‌کند باید چهار وعده میوه نیز بگیرد، اما در این تابستان به ما گفتند چون میوه تابستانی گران است نمی‌توانیم جیره میوه را تأمین کنیم، در حالی که برای این کار بودجه هنگفتی در نظر گرفته شده است. کیفیت برنج و مرغ و گوشت افت شدیدی کرده، در غذاها گاهی سنگ‌ریزه و نخ دیده می‌شود، اما مسئله فقط به اینجا ختم نمی‌شود، دانشجویان با خطر درزیدشدن اموال‌شان در مسیرهای منتهی به خوابگاه و حتی حمله سگ‌های ولگرد در خود فضای بین بلوک‌ها مواجه‌اند: «بارها خوردو دانشجویان در همین بلوار دانشجو که حفاصل دانشگاه و ورودی خوابگاه‌ا است مورد سرقت قرار گرفته است. در همین بهار گذشته یک دختری نزدیک خوابگاه کوی دختران مورد سوءقصد قرار گرفت و دوربینش درزیده شد و دندان‌ش شکست. در خود محوطه خوابگاه نیز ما با وجود سگ‌های ولگرد مواجه‌ایم که بارها به دانشجویان حمله کرده‌اند». اما موضع دانشگاه درباره تأمین امنیت دانشجویان نیز، نوعی از سر باز کردن است: «دانشگاه می‌گوید حتی یک سانتی‌متر دوتر از خوابگاه هم حوزه کاری ما نیست و برای حل این ناملنی هیچ اقدامی نمی‌کنیم» درباره سگ‌ها نیز می‌گوید ما نمی‌توانیم آنجا را حصارکشی کنیم که از ورود سگ‌ها جلوگیری بشود».

جولانگاه ساس، سوسک و شته

«بهیار» نیز از وضعیت نابسامان خوابگاه دختران می‌گوید، وضعیتی که شباهت‌های زیادی با خوابگاه پسران دارد. او از درزیده‌شدن وسایل‌شان در طول تعطیلات تابستانی به «شرق» می‌گوید: «پس از تخلیه اضطراری خوابگاه به علت جنگ در خردادماه، بسیاری از ساکنین وسایل‌شان را دست‌نخورده گذاشتند و رفتند. وقتی برای امتحانات به خوابگاه بازگشتم خیلی‌ها خبر از نبود وسایل شخصی‌شان دادند. از قرار زبروهای خدمات یا کسانی که در دوره خوابگاه به کار می‌رفتند، می‌دانم که تعدادی از وسایل را برداشته‌اند». در این مورد نیز مسئولان خوابگاه شهید بهشتی هیچ مسئولیتی را قبول نکردند: «ما در خوابگاه با شته و ساس درگیریم، بالش‌ها، لباس‌ها و… پر از ساس و شته شده‌اند. سوسک‌ها نیز همیشه در اتاق هستند. در این مورد هم حتی مسئولین خوابگاه جواب سر بالا می‌دهند و می‌گویند کاری نداشته باشید خودشان می‌روند».

خطر گازرگفتگی در خوابگاه

«بهیار» روایتی بحث‌برانگیز از گازرگفتگی دانشجویان دختر خوابگاه شهید بهشتی در ۱۶ تیر ۱۴۰۳ دارد که در آن رد پای بی‌مسئولیتی مدیران خوابگاه دانشگاه شهید بهشتی قابل مشاهده است: «چند وقت پیش یک مورد گازرگفتگی در خوابگاه دختران اتفاق افتاد، وقتی دانشجویان اعلام کردند بوی گاز حس می‌کنند، سرپرست خوابگاه گفت توهم زده‌اید. بعد از اینکه حال نفاق و وجود حشرات موذیه نبود برنام‌ریزی و خط‌مشی مشخص بین دانشگاه‌های ذیل مدیریت وزارت علوم و نهادهای ذی‌ربط آن است. اینکه خوابگاه‌های یک دانشگاه آب دارد اما خوابگاه‌های یک دانشگاه روزی دو ساعت از نبود آب رنج می‌برد، یک خوابگاه در تأمین جیره‌های غذایی مشکل دارد و خوابگاهی دیگر در ارائه ناهار و شام معضل دارد و اغلب خوابگاه‌ها با مشکل نفاق و وجود حشرات مواجه‌اند، نشان می‌دهد که دستورالعملی اجرانی و قانونی که تمام دانشگاه‌ها را موظف به تأمین ابتدایی‌ترین امکانات کند، وجود ندارد. اعلام دستوری از بالا مبنی بر بازگشایی دانشگاه در شهریور برای برگزاری امتحان‌ها، بدون پیگیری و نظارت بر اقدامات دانشگاه‌ها برای تأمین پیش‌نیازهای اجرایی این تصمیم، فقط به ضرر دانشجویانی تمام شده است که از شهرهایی دور به امید درس خواندن به تهران آمده‌اند اما حالا مجبورند در شرایطی سخت زندگی کنند.

خبرهای روز

۱۵ شهریور آخرین مهلت ثبت‌نام سرویس مدارس

ایسنا: مدیرعامل اتحادیه حمل‌ونقل مسافر شهری کشور گفت: «با توجه به درخواست‌های بسیار زیاد والدین دانش‌آموزان و آموزش و پرورش، آخرین زمان ثبت درخواست یا ویرایش اطلاعات والدین برای سرویس مدرسه تا ۱۵ شهریورماه برای سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ تمدید شده که تا مهلت مشخص‌شده فقط پنج روز دیگر باقی است و این مهلت دیگر قابل تمدید نخواهد بود». مسعود کاظمی با اشاره به بند ۱ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی حمل‌ونقل دانش‌آموزی مصوب هیئت وزیران، عنوان کرد: «برای اجرا، ساماندهی، مدیریت و نظارت یکپارچه و مستمر بر عملکرد تمامی دستگاه‌های متولی، شرکت‌ها و رانندگان مجاز حمل‌ونقل دانش‌آموزی، اولیا متقاضی حمل‌ونقل (سرویس) و همچنین جمع و به‌روزرسانی و پایش اطلاعات مربوط به صورت برخط، توسط وزارت کشور سامانه‌ای به نام سامانه پایش ناوگان دانش‌آموزی «سپند» به نشانی www.irtusepand.ir ایجاد شده است».

او افزود: «تاکنون بیش از ۲۵۵ هزار اولیا درخواست سرویس مدارس خود را در سامانه سپند ثبت کرده‌اند. اولویت تخصیص سرویس مدارس با والدینی است که در زمان مقرر ثبت درخواست کرده‌اند و آن دسته از والدینی که ممکن است تا شروع سال تحصیلی تغییر محل سکونت و یا مدرسه دانش‌آموز داشته باشند یا در مرحله اول ثبت‌نام والدین نتوانستند درخواست خود را در سامانه ثبت کنند، می‌توانند در مهلت باقی‌مانده نسبت به ثبت‌نام اقدام کرده با اطلاعات خود را ویرایش کنند». به گفته او، در صورتی که همچنان محل سکونت یا مدرسه فرزندان قطعی نشده است به والدین توصیه می‌شود ثبت درخواست را در سامانه بدیعی است والدینی که تخصص سرویس مدرسه برای آنان انجام شده است امکان ویرایش اطلاعات در سامانه را نخواهند داشت و ویرایش صرفاً تا مرحله قبل از تخصیص سرویس امکان‌پذیر خواهد بود. کاظمی ادامه داد: «برابر ماده ۲۴ آیین‌نامه، انعقاد قرارداد بین مدارس و مجموعه‌های تابعه با پیمانکاران و اجابت قانونی نداشته و ادارات کل آموزش و پرورش موظف هستند با مدارس متخلف برخورد قانونی لازم را به عمل آورند. این به معنای حذف مدارس یا آموزش و پرورش از فرایند اجرایی سرویس مدرسه نخواهد بود. صرفاً عقد قرارداد فی‌مابین شرکت‌ها و مدارس و مواردی خارج از آیین‌نامه منظر بوده و بدیهی است حمل‌ونقل دانش‌آموزی بدون همکاری و تعامل عوامل اجرایی در هر دو حوزه آموزش و پرورش و شهرداری‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود».

۱۰روز مهلت به مهاجران غیرمجاز

رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور با بیان اینکه از شش میلیون و ۱۰۰ هزار اتباع شناسایی‌شده در کشور، تا ۸ شهریور یک میلیون و ۲۳۵ هزار و ۸۴ نفر از کشور خارج شده‌اند، گفت: «اتباع غیرمجازی که تا ۱۰ روز آینده به مراکز رسیدگی به امور اتباع مراجعه نکنند، دستگیر می‌شوند». نادر یاراحمدی با بیان اینکه طبق آمارهای جمع‌آوری‌شده شش میلیون و ۱۰۰ هزار نفر از اتباع در کشور شناسایی شده‌اند بیش از چهار میلیون نفر آنها غیرمجاز هستند، گفت: «طبق برآوردهای انجام‌شده، تا ۸ شهریور یک میلیون و ۲۳۵ هزار و ۸۴ نفر از اتباع غیرمجاز از کشور خارج شده‌اند که از این تعداد ۴۲۵ هزار و ۷۸۹ نفر دستگیر شده و رد مرز شده و ۸۰۹ هزار و ۲۹۵ هزار نفر از اتباع غیرمجاز هم به صورت خودمعرف از کشور خارج شده‌اند». یاراحمدی با بیان اینکه بیشتر کسانی که از کشور افغانستان وارد می‌شوند از مرزهای پاکستان وارد کشور می‌شوند نه از مرزهای افغانستان، ادامه داد: «افرادی که روزانه در مرز ایران دستگیر می‌شوند به اردوگاه‌ها تحویل می‌دهیم و رد مرز می‌کنیم، ضمن اینکه به طور معمول روزانه عده‌ای از افراد در مرز دستگیر شده و به اردوگاه‌ها تحویل داده می‌شوند». به گفته او، همه کسانی که باید به مراکز رسیدگی به امور اتباع مراجعه کرده و برکه خروج می‌گرفتند برهستان رو به پایان است و از این به بعد همه این افرادی که مراجعه نکرده‌اند به عنوان افراد غیرمجاز دستگیر خواهند شد.